

بررسی نگرش دانشجویان تربیت بدنی به موانع کار آفرینی و مشکلات راه اندازی کسب و کار بعد از فراغت از تحصیل

دکتر نصرالله جوادیان صراف^۱، رضا شجیع^۲

۱. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

۲. کارشناس ارشد تربیت بدنی

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۵/۶

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۸/۱۰

چکیده

هدف از اجرای این پژوهش بررسی نگرش دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه‌های مشهد به موانع کار آفرینی و مشکلات راه اندازی کسب و کار مرتبط با رشته تحصیلی بود. در این پژوهش که از نوع مطالعات توصیفی است، تعداد ۹۷ دانشجوی پسر و ۶۴ دانشجوی دختر (N=۱۶۱) تربیت بدنی دانشگاه‌های فردوسی مشهد، غیرانتفاعی امام رضا (ع) و آزاد اسلامی مشهد به‌طور تصادفی با تخصیص متناسب در هر طبقه انتخاب شدند و به پرسش‌نامه محقق ساخته سنجش موانع کار آفرینی پاسخ دادند. پایایی پرسش‌نامه در مطالعه مقدماتی ۰/۸۳ تعیین شد. آزمون «تی» گروه‌های مستقل، تحلیل واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی پیرسون برای تجزیه و تحلیل آماری استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ۴۲/۵۵ درصد دانشجویان، ناتوانی در پذیرش خطر مالی را اصلی‌ترین مانع کار آفرینی تلقی می‌کنند. مشکل تأمین سرمایه، سیاست‌های دولت، رشته تحصیلی، نبود فرصت‌های شغلی و کمبود راهنمایی و مشاوره مهم‌ترین مشکلات فرارو در راه‌اندازی کسب و کار محسوب می‌شوند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین میانگین مجموع موانع اولیه کار آفرینی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/01$, $t=2/78$) این تفاوت، نشان از وجود موانع اولیه بیشتر در دانشجویان پسر است. همچنین تفاوت معنی‌داری در میانگین موانع اولیه کار آفرینی دانشجویان دانشگاه‌های یاد شده مشاهده نشد ($F=0/558, P > 0/05$). بین ناتوانی در انتخاب هدف با نامیدی به آینده شغلی ($r=0/244$) و همچنین بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی با تمایل به ایجاد کسب و کار مرتبط با آن ($r=0/268$) رابطه معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/05$). بر پایه نتایج پژوهش، برگزاری منظم دوره‌ها و کارگاه‌های ترویجی و توجیهی برای استادان و دانشجویان و بازبینی سرفصل‌های آموزشی پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: موانع، کار آفرینی، کسب و کار، دانشجویان تربیت بدنی

مقدمه

تغییر و تحولات سریع علم و فناوری در جهان از یک طرف و تبدیل ورزش به یک صنعت از طرف دیگر، دست‌اندرکاران ورزش را با چالش‌های جدیدی رو به رو ساخته است که گذر از آن‌ها نیازمند به‌کارگیری رویکردها و روش‌های خلاقانه است (۱). در این میان نقش کارآفرینی^۱ و وجود کارآفرینان تعیین‌کننده است. کارآفرینی می‌تواند از طریق کشف و گسترش فرصت‌های مرتبط با تربیت‌بدنی زمینه‌های رونق اقتصادی، تغییر در شیوه زندگی و ایجاد فرصت‌های شغلی مبتنی بر گسترش را برای کلیه اقشار جامعه فراهم کند (۲). تحقق این هدف و برخورداری از مزایای آن مستلزم عزم همگانی در قالب طراحی اندیشمندانه و اصولی است. یکی از عواملی که می‌تواند نقش به‌سزایی در این راستا ایفا کند، شناسایی موانع گسترش کارآفرینی در حوزه تربیت بدنی است.

کارآفرینی ترجمه واژه Entrepreneurship است که خود از لفظ فرانسوی *entreprendre* به معنای عهده‌دار شدن کاری گرفته شده است. کارآفرین کسی است که سازماندهی، مدیریت و پذیرفتن خطرات حضور در فعالیت تجاری را می‌پذیرد و از این طریق است که ایده‌های نو و خلاقانه خود را به عمل تبدیل می‌کند (۳). کارآفرینان از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، اثربخشی، بهره‌وری، خلق و استفاده از فرصت‌ها، ایجاد شغل، رقابت و تشکیل کسب و کارهای جدید، نقش عمده‌ای را در گسترش اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند (۴). آنچه مسلم است با توجه به واکنش‌های سریع توسعه، در تلاش برای دستیابی به اطلاعات روز، ارتقاء توقع پاسخ‌گویی سریع برای حل مشکلات و همچنین نیاز روزافزون به مخاطره‌پذیری در فرایندهای تصمیم‌گیری، ضرورت وجود کارآفرینان را پیش از پیش یادآور می‌شود. در واقع این کارآفرینان هستند که با شناخت صحیح فرصت‌ها، امکاناتی را فراهم می‌کنند که با سازماندهی و مدیریت، نه تنها برای خود، بلکه بدون اتکاء به دولت برای دیگران نیز شغل می‌آفرینند (۵).

آنچه در این پژوهش به‌عنوان موانع کارآفرینی بررسی شده است، از پیچیدگی رفتار انسان و گسترش تأثیرپذیری وی از محیط بسیار وسیع و نامحدود پیرامون او ناشی می‌شود. شرایط نامساعد محیطی واکنش‌های منفی بسیاری را در رفتار افراد به وجود می‌آورد که این گونه واکنش‌ها در حقیقت موانع رفتاری در مسیر توانمندسازی و کارآفرینی است (۶). برخی از موانع موجود که در این پژوهش نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند، براساس تحقیقات پژوهشگران

بسیاری، چون شکرپیگی (۱۳۸۳) ملک‌پور (۱۳۸۴)، عابدی (۱۳۸۵) و سایرین به صورت اختصار ذکر می‌شود (۵، ۷، ۸):

موانع اولیه کارآفرینی (فردی)^۱

موانعی هستند که مربوط به ویژگی‌های درونی فرد هستند؛ که از این میان می‌توان به بی‌اعتقادی به مؤثر بودن و مفید بودن خویشتن، بی‌تفاوتی به محیط پیرامون، ناتوانایی در ارائه راه‌حل‌های سازنده و مفید، موافقت بی‌قید و شرط با افکار و عقاید دیگران، بدبینی و منفی‌نگری، میزان کمی تحمل در برابر مشکلات، نداشتن اعتماد به نفس، نداشتن اهداف و بینش روشن و احساس ناتوانی در گسترش استعدادها اشاره کرد (۶). این در حالی است که کارآفرینان نیاز زیادی به موفقیت احساس می‌کنند (۹، ۱۰) و نبود این نیاز برای افراد به‌طور غیرمستقیم یک مانع اولیه محسوب می‌شود. کارآفرینان به‌طور طبیعی به رشد و بالندگی خود اطمینان خاطر دارند (۹، ۱۱، ۱۲) و اکثر آنان در مقایسه با افراد معمولی، ضمن آنکه انسان‌هایی با انرژی بیشتر هستند (۱۳) افراد سخت‌کوشی نیز به شمار می‌آیند، به‌طوری که برای فائق آمدن بر موانع فرارو از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند (۱۴). آن‌ها دارای دو ویژگی جستجوگری فرصت‌ها و راه‌حل‌ها هستند (۱۴) و از قدرت زیادی برای رویارویی با خطرهای اقتصادی برخوردارند (۱۵). به‌طور کلی کارآفرینان، علاقه‌مند به خطرپذیری هستند و فقدان این ویژگی در افراد یک مانع اولیه محسوب می‌شود (۱۶).

موانع ثانویه کارآفرینی (اجتماعی)^۲

موانعی را شامل می‌شود که مربوط به شرایط محیطی جامعه و فرهنگ حاکم بر آن است. این موانع صرفاً با کوشش فردی قابل رفع نیست و به اصلاحات و تحولات تدریجی ارزش آفرین در محیط نیازمند است (۶). از میان این موانع می‌توان به مناسبات حاکم بر سازمان کار، سیاست‌های دولت، خانواده، مشکلات فرهنگی و اقتصادی جامعه، مشکل تأمین سرمایه، نبود فرصت‌های شغلی مشخص، عدم اطمینان در بازار کار، کمبود دانش و مهارت‌های حرفه‌ای و کمبود راهنمایی و مشاوره اشاره کرد. شواهد تحقیقات دیجانکف^۳ و همکاران (۲۰۰۲) نشان می‌دهد، کشورهایی که قوانین پیچیده‌تری برای راه‌اندازی کسب و کار و ورود به تجارت دارند، به‌طور جدی با انحرافات و شرایط اقتصادی غیررسمی‌تری روبرو هستند (۱۷)؛ بنابراین به اعتقاد

1 . Individual Obstacles

2 . Social Obstacles

3 . Djankov

کلاپر^۱ و همکاران (۲۰۰۳) قوانین و دستورالعمل‌های دولتی و اقتصادی، بر گرایش افراد به کارآفرینی و تداوم آن مؤثر است و ضمن این که می‌توانند تسهیل‌گر باشند، نوع پیچیده آن نیز می‌تواند یک مانع محسوب شود (۱۸). ولفنزن و یانگ^۲ (۲۰۰۵)، پروتی و ولپین^۳ (۲۰۰۴) ضمن تأیید اثر چندجانبه دولت، سیاست و سیاست‌گذاران بر تأخیر یا تعدیل فرایند گسترش کارآفرینی، نقش سیاست را در رویارویی با کارآفرینی مهم ارزیابی کرده‌اند و از تصدی‌گری دولت مردان در اقتصاد به‌عنوان مانعی بزرگ برای رشد کسب و کارهای کارآفرینانه یاد می‌کنند (۱۹) (۲۰). از موانع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، میزان توسعه فرهنگی و اجتماعی بخشی است که افراد یا دانشجویان قرار است کسب و کار خود را در آن راه‌اندازی کنند (۲۱). توسعه و شرایط اقتصادی جوامع با توسعه فزاینده شرکت‌های کارآفرینی در ارتباط است و نبود آن به‌عنوان مانعی برای گسترش کارآفرینی محسوب می‌شود (۲۰، ۲۲). یکی دیگر از عوامل مورد توجه در گسترش کارآفرینی، فرهنگ غالب بر جوامع است؛ برای مثال، جامعه‌ای که تنها برون‌دادها را مدنظر قرار می‌دهد، تنها «کارآفرینان خودساخته» را تشویق می‌کند و هیچ برنامه‌ای برای رشد و حمایت از کارآفرینان نوپا و بالقوه ندارد (۲۱). کمبود دانش، تجربه و مهارت‌های کافی نیز از جمله دیگر موانعی هستند که افراد و حتی کارآفرینان با آن روبرو هستند و این موانع هنگامی خود را نشان می‌دهند که فرد به‌طور جدی وارد زمینه‌های مدیریتی، حقوقی، اطلاعاتی، مالی، فروش و بازاریابی می‌شود (۸).

رشد و پرورش کارآفرینان بدون توجه به آموزش‌های کارآفرینی و روش‌های تدریس مبتنی بر مهارت‌های مورد نیاز روز، امری دور از انتظار است؛ بنابراین ساختار و نوع برنامه‌های آموزشی و در ادامه، کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها نیز بر گسترش کارآفرینی و گرایش دانشجویان به این امر مؤثر است (۲۳). بر همین اساس تعداد دانشگاه‌هایی که در آمریکا دوره‌های کارآفرینی برای دانشجویان خود برگزار کرده‌اند در سال ۲۰۰۵ به ۱۶۰۰ دانشگاه رسیده است (۲۴) و تحقیقات نشان می‌دهد دانشجویانی که بعد از طی این دوره‌ها از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند، علاقه‌مندی بیشتری برای راه‌اندازی کسب و کار دارند و درآمد بیشتری را نیز کسب کرده‌اند (۲۵). اسلیپ^۴ در پژوهش خود در سال ۲۰۰۵ دیدگاه دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه هال^۵ را بررسی کرده است و طی آن اظهار می‌دارد که هر آنچه دانشجویان در دانشگاه آموخته‌اند به گسترش مهارت‌های کاری آنان طبق انتظار کمک کرده است، به‌طوری

1 . Klapper
2 . Wolfenzon & Yeung
3 . Perotti & Volpin
4 . Sleap
5 . Hall

که آنان احساس می‌کردند مهارت‌های فردی، ارتباطاتی و کاری‌شان رشد چشمگیری یافته است. در عین حال احساس می‌شود فرصت اندکی برای رشد آگاهی‌های تجاری، شبکه‌ای، کارآفرینی، مهارت‌های مالی و آگاهی از فرهنگ کاری وجود داشته است؛ لذا این امر برای آنان یک مانع در راستای گسترش کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار محسوب می‌شود (۲۶). عدم حمایت‌های لازم، مانند حمایت‌های مالی از جمله مشکلاتی است که افراد برای راه‌اندازی کسب و کار یا ادامه فعالیت کارآفرینانه خود با آن روبرو هستند (۲۷). هدف اصلی این پژوهش آن است که با مطالعه عواملی چون نقش خانواده، نظام آموزشی، ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورهای کلیشه‌ای، تضاد نقش و غیره موانع کارآفرینی و مشکلات راه‌اندازی کسب و کار در میان دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی را بررسی کند و علاوه بر این، رابطه این موانع را با عوامل جمعیت‌شناختی مورد بررسی قرار دهد.

روش‌شناسی پژوهش

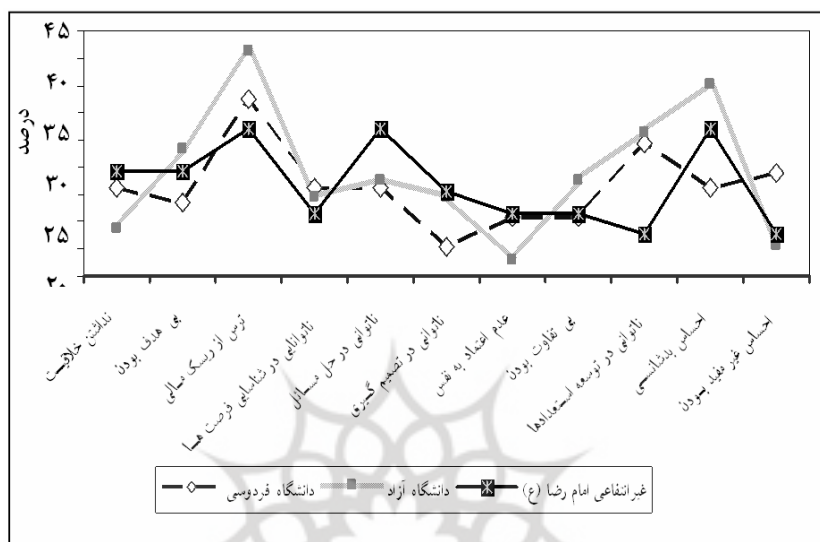
این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه‌های فردوسی، غیرانتفاعی امام رضا (ع) و آزاد اسلامی مشهد (N=۷۲۰) در زمان انجام پژوهش بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، براساس واریانس به‌دست آمده در مطالعه مقدماتی محاسبه شد. بر این اساس تعداد نمونه آماری به روش تصادفی طبقه‌ای به تفکیک دانشگاه‌های مورد مطالعه ۱۶۱ نفر (تعداد ۹۷ دانشجوی پسر و ۶۴ دانشجوی دختر) محاسبه شد. آزمودنی‌ها به پرسش‌نامه محقق ساخته موانع کارآفرینی پاسخ دادند. این پرسش‌نامه براساس مطالعه دقیق شاخص‌های مرتبط طراحی و توسط متخصصان اعتباریابی شد. پایایی ابزار نیز در مطالعه‌ای مقدماتی ۰/۸۳ تعیین شد. این ابزار موانع کارآفرینی را در سه بعد فردی، اجتماعی و نگرش‌شغلی مورد سنجش قرار دادند و نحوه نمره‌گذاری آن لیکرت پنج‌ارزشی است. داده‌های به‌دست آمده در این پژوهش، در دو سطح آمار توصیفی (فراوانی نسبی، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t گروه‌های مستقل) به کمک نرم‌افزار اس. پی. اس. اس^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ۴۲/۵۵ درصد دانشجویان، ناتوانی در پذیرش خطر مالی را به‌عنوان اصلی‌ترین مانع کارآفرینی تلقی کرده و ۳۸ درصد دانشجویان ابراز داشته‌اند که در توسعه استعدادهای درونی خود ناتوان هستند. همچنین احساس بد شانس بودن، عاملی است که ۳۲/۹۵ درصد دانشجویان آن را یک مانع فردی در راه گسترش رفتار کارآفرینی و موفقیت شغلی خود ذکر کرده‌اند و ۲۹/۵۵ درصد دانشجویان نیز در شناسایی فرصت‌های شغلی مرتبط با رشته تربیت‌بدنی ناتوان هستند. نمودارهای (۱) و (۲) موانع اولیه کارآفرینی دانشجویان دختر و پسر را به تفکیک دانشگاه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهند. خاطر نشان می‌شود دانشگاه امام رضا (ع) در رشته تربیت بدنی دانشجوی دختر نمی‌پذیرد.



نمودار ۱. موانع اولیه (فردی) در دانشجویان دختر به تفکیک دانشگاه‌های مورد مطالعه



نمودار ۲. موانع اولیه (فردی) در دانشجویان پسر به تفکیک دانشگاه‌های مورد مطالعه

از نظر دانشجویان، مشکل تأمین سرمایه (۳۲/۵ درصد)، سیاست‌های دولت (۱۸/۲ درصد)، رشته تحصیلی (۸/۴ درصد)، نبود فرصت‌های شغلی مشخص (۷/۸ درصد)، کمبود راهنمایی و مشاوره (۶/۵ درصد)، مشکلات فرهنگی جامعه (۵/۲ درصد) و مشکلات اقتصادی جامعه (۵/۲ درصد) به‌عنوان مهم‌ترین مشکلات فرارو (موانع ثانویه) در راه‌اندازی کسب و کار محسوب می‌شوند. جدول (۱) اولویت‌بندی موانع کارآفرینی را به تفکیک دانشگاه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد.

جدول ۱. توصیف اولویت‌بندی موانع کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار
از نظر دانشجویان به تفکیک دانشگاه محل تحصیل

اولویت	دانشگاه فردوسی	دانشگاه آزاد اسلامی	دانشگاه غیرانتفاعی امام رضا
۱	مشکل تأمین سرمایه (۲۶/۶ درصد)	مشکل تأمین سرمایه (۴۲/۶ درصد)	سیاست‌های دولت (۳۱/۸ درصد)
۲	سیاست‌های دولت (۲۰/۳ درصد)	سیاست‌های دولت (۱۱/۸ درصد)	مشکل تأمین سرمایه (۱۸/۲ درصد)
۳	نبود فرصت‌های شغلی (۱۰/۹ درصد)	رشته تحصیلی (۷/۴ درصد)	کمبود راهنمای و مشاوره (۱۳/۶ درصد)
۴	رشته تحصیلی (۹/۴ درصد)	مشکلات اقتصادی جامعه (۵/۹ درصد)	مشکلات فرهنگی جامعه (۱۳/۶ درصد)
۵	کمبود راهنمایی و مشاوره (۶/۳ درصد)	نبود فرصت‌های شغلی (۵/۹ درصد)	رشته تحصیلی (۹/۱ درصد)
۶	مشکلات اقتصادی جامعه (۶/۳ درصد)	مشکلات فرهنگی جامعه (۵/۹ درصد)	نبود فرصت‌های شغلی (۴/۵ درصد)

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین میانگین مجموع موانع اولیه کارآفرینی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($t=2/78, P<0/01$) این تفاوت، نشان می‌دهد موانع اولیه بیشتر در دانشجویان پسر وجود دارد. علاوه بر این، علی‌رغم این که میانگین مجموع موانع اولیه کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه فردوسی کمتر از دانشگاه آزاد و امام رضا (ع) است، اما تفاوت معنی‌داری در میانگین موانع اولیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه‌های یاد شده مشاهده نشد ($F=0/558, P>0/05$). همچنین بین احساس بد شانس بودن با جنسیت ($F=0/233$) بین ناتوانی در گسترش استعدادها با سال ورود ($F=0/170$) بین ناتوانی در انتخاب هدف با ناامیدی به آینده شغلی ($F=0/244$) بین احساس بدشانس بودن در دانشجویان با دانشگاه محل تحصیل ($F=0/16$) بین بی‌تفاوتی به شرایط محیطی با ناتوانی در شناسایی فرصت‌های شغلی ($F=0/253$) و در نهایت بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی با تمایل به ایجاد کسب و کار مرتبط با آن ($F=0/268$) رابطه معنی‌داری وجود داشت ($P < 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

بر پایه نتایج پژوهش که ۴۲/۵۵ درصد دانشجویان، ناتوانی در پذیرش خطر مالی را اصلی‌ترین موانع کارآفرینی عنوان می‌کنند، تلاش برای رفع این مانع و طرح‌ریزی راهبردهای عملیاتی در

این زمینه امری ضروری به نظر می‌رسد. از جمله عوامل ایجادکننده ناتوانی در پذیرش خطر، می‌توان به کمبود آموزش‌های کاربردی متناسب با بازار کار و تردید دانشجویان تربیت بدنی به توانمندی خود برای انجام فعالیت کارآفرینانه اشاره کرد، تردید دانشجویان به این علت است که هیچ‌گاه فرصت اشتباه و تجربه‌اندوزی در این زمینه به آن‌ها داده نشده است. آنچه همیشه مورد توجه بوده است، ارائه انباشتی از اطلاعات نظری فارغ از برای‌گیری‌های کاربردی است؛ بنابراین زمانی دانشجویان می‌توانند ضریب اطمینان خود را به موفقیت اجرای فعالیت کارآفرینانه افزایش دهند که پیش از آن، زمینه برای افزایش توانمندی و تجربه‌اندوزی در آن‌ها فراهم شده باشد. ضمن این که طراحی و تبیین راهکارهای حمایتی برای حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان تربیت بدنی توسط سازمان‌های ذیربط پیشنهاد می‌شود آموزش‌های مربوط به طراحی طرح تجاری^۱ نیز که در آن درصدی از خطر محاسبه می‌شود، راهکار مناسبی برای رفع موانع مرتبط با خطرپذیری دانشجویان است.

از طرف دیگر، ذکر این مورد از سوی ۳۸ درصد دانشجویان که در گسترش استعدادهای درونی خود ناتوان هستند، بیانگر این نکته است که روی آوردن دانشجویان به کارآفرینی در نتیجه توانایی آن‌ها در توسعه توانمندی‌های فردی است. چالش، زمانی عمیق‌تر می‌شود که نظام آموزش عالی نیز نمی‌تواند کارایی لازم را در این رابطه ایفا کند. براساس تحقیقات انجام شده، یکی از مهم‌ترین عوامل تضمین‌کننده موفقیت شغلی افراد، مهارت‌ها و توانمندی‌های عملی آن‌هاست (۲۸). این در حالی است که در نظام آموزش عالی فعلی، سطح تحصیلات است که توان یا استعداد بالفعل تلقی می‌شود (۲۹)؛ بنابراین گسترش مهارت‌های عملی دانشجویان در کنار گسترش دانش، امری ضروری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

دانشجویانی می‌توانند توانمندی‌های بالقوه خود را بهبود بخشند که با علاقه‌مندی، رشته تحصیلی خود را انتخاب کرده باشند، این موضوع مسئله‌ای است که بر پایه نتایج پژوهش عنوان می‌شود و با نتایج پژوهش گری و فلد^۲ (۲۰۰۶) همخوانی دارد (۲۵). دانشجویانی که بر پایه اتفاق یا شانس وارد رشته تربیت‌بدنی شده‌اند، بدون شک انگیزه‌های لازم را برای کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار مرتبط با رشته تحصیلی نخواهند داشت؛ بنابراین استفاده از راهکارهای انگیزشی از طریق برنامه‌های ترویجی در دانشکده‌های تربیت بدنی، می‌تواند در گسترش فرهنگ کارآفرینی و همچنین ارتقاء جایگاه آن در ذهنیت دانشجویان مؤثر باشد.

1 . Business plan

2 . Gray & Field

بر پایه نتایج پژوهش، احساس بدشانس بودن، یک مانع اولیه در راه توسعه رفتار کارآفرینی دانشجویان تربیت بدنی است. نکته حائز اهمیت بر پایه نتایج پژوهش وجود رابطه معنی‌دار میان احساس بدشانسی و دانشگاه محل تحصیل است، به این صورت که دانشجویان دانشگاه‌های آزاد و غیرانتفاعی در مقایسه با دانشجویان دانشگاه فردوسی احساس می‌کنند که افراد بدشانس‌تری هستند، در واقع حس مورد نظر زمانی در افراد به الگوی ذهنی پایدار تبدیل می‌شود که فرد مجموعه‌ای از تجربیات ناموفق را در قالب فرایندی نامنظم پشت سر گذاشته باشد؛ بنابراین زمانی که فرد احساس بدشانسی می‌کند، ناخودآگاه، اقدام او برای آزمودن فرصت‌های جدید و در عین حال پیش‌بینی نشده کاهش می‌یابد و این مسئله‌ای است که نیازمند تحقیقات بیشتر است.

بر پایه نتایج پژوهش، دانشجویانی که حمایت مالی را پیش‌شرط ورود به کارآفرینی و ایجاد کسب و کار ذکر می‌کنند، مشکلات اقتصادی جامعه را نیز به‌عنوان یک عامل اثرگذار در این راستا مورد توجه قرار می‌دهند، این مورد با پژوهش هادی خامنه (۱۳۸۵) همخوانی دارد، وی وضعیت نامناسب مالی و فقدان سرمایه شخصی را اصلی‌ترین مانع فراروی کارآفرینی معرفی می‌کند (۳۰). با این حال باید اشاره کرد که کمترین تأثیر گسترش رفتار کارآفرینی در میان دانشجویان تربیت بدنی، تعدیل این ذهنیت نادرست در میان این قشر از دانشجویان است که فکر می‌کنند تنها با سرمایه مالی است که می‌توانند کسب و کار مورد نظر خود را ایجاد کنند. کارآفرینی، از طریق گسترش تفکر خلاق در دانشجویان، آن‌ها را در ارتقاء شناخت خود از شرایط و فرصت‌ها یاری می‌دهد؛ بنابراین طراحی و تبیین مراکز رشد تخصصی تربیت بدنی و علوم ورزشی (انکوباتورهای ورزشی) به‌عنوان مراکزی که می‌توانند ضمن حمایت مالی از کسب و کارهای کوچک ورزشی، برون‌دادهای مرتبط با تحقیق و توسعه را در رشته تربیت‌بدنی تجاری‌سازی کنند، امری ضروری به نظر می‌رسد (۳۱).

بر پایه نتایج پژوهش، سیاست‌های دولت گزینه‌ای ضروری در بحث کارآفرینی و اشتغال دانشجویان تربیت بدنی قلمداد شده است و با تحقیقات فوگل^۱ و همکاران (۲۰۰۶) همخوانی دارد (۲۱). درست در زمانی که جامعه با چالش فراگیر بیکاری و اشتغال روبروست، عدم تمایز میان دانش‌آموختگان توانمند برای جذب و حمایت، حاکم بودن روابط، بی‌توجهی به توانمندی‌های فنی و عملی و غیره عوامل بسیار مهمی هستند که به بی‌انگیزگی و در نهایت بی‌علاقگی در میان دانشجویان تربیت‌بدنی منجر می‌شود. این شرایط سبب پرورش دانش‌آموختگانی می‌شود که از روحیه کارآفرینی به‌منظور ایجاد و گسترش کسب و کار

مناسب بهره‌مند نیستند و تنها کارآفرینان خودساخته هستند که مورد توجه قرار می‌گیرند (۲۱). در ادامه مباحث مربوط به سیاست‌های دولت به‌عنوان موانع ثانویه، می‌توان به مشکلات اجرایی در پیاده‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های کلان مربوط به اشتغال و توسعه کارآفرینی اشاره کرد که گاهی با تلاش و جدیت خاصی نیز تدوین می‌شوند. بررسی اجمالی نحوه تصمیم‌گیری و خط مشی‌گذاری در کشور وجود ناهماهنگی و اختلاف نظر را بین قانون‌گذار و مجری نشان می‌دهد. در همین راستا، فقدان نظارت بر اجرای دقیق برنامه‌ها نیز موضوع مهمی است که باید به آن اشاره کرد.

یکی از موانعی که دانشجویان از آن به‌عنوان یک مانع فرارو در راه‌اندازی کسب و کار یاد می‌کنند، رشته تحصیلی است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایلی که دانشجویان، رشته خود را مانعی در راه توسعه رفتار کارآفرینی خود در نظر می‌گیرند، فقدان الگوهای مطرح کارآفرینی در این زمینه باشد، به طوری که آنان روز به روز شاهد گسترش کارآفرینی و ایجاد مشاغل جدید در برخی رشته‌های تحصیلی دیگر هستند و حرکت معنی‌دار خاصی را در زمینه گسترش کارآفرینی در رشته تحصیلی خود مشاهده نمی‌کنند. با این حال، باید فرض یاد شده را در شرایطی مورد آزمون قرار داد که چندین الگوی کارآفرینی در رشته تربیت بدنی ایجاد و کارآفرینان موفق برای الگوپذیری دانشجویان تربیت بدنی به آنان معرفی شوند.

بر پایه نتایج تحقیق، ۲۹/۵۵ درصد دانشجویان، در شناسایی فرصت‌های شغلی مرتبط با رشته تربیت بدنی ناتوان هستند. با این حال، توجه به این نکته ضروری است که الگو گرفتن از فرصت‌ها، استفاده از فرصت‌ها و در عین حال کارکردپذیری فرصت‌ها، چالشی است که اکثریت دانشجویان تربیت بدنی با آن روبرو هستند و این مورد با نتایج پژوهش اسلیپ (۲۰۰۵) همخوانی دارد (۲۶). در واقع شناسایی فرصت‌ها، نخستین گام حرکت برای کارآفرینی و راه‌اندازی کسب و کار است و مهم‌تر از آن، توانمندی بهره‌مندی از فرصت‌هاست که در بخش‌های پیشین به آن اشاره شد.

یکی از مهم‌ترین موانعی که دانشجویان برای روی آوردن به کارآفرینی و ایجاد کسب و کار به آن اشاره می‌کنند، کمبود راهنمایی و مشاوره است که با پژوهش‌های خامنه (۱۳۸۵) همخوانی دارد. گاهی مشاهده می‌شود اعضای هیئت علمی در تربیت نیروی متخصص و کارآمد مورد نیاز جامعه و بازار کار ناموفق هستند (۱). در واقع این استادان تربیت بدنی هستند که باید دانشجویان این رشته را در ابعاد مختلف فکری، اخلاقی، معنوی، اجتماعی و غیره هدایت کنند. پاسخ به این سؤال که استادان تربیت بدنی تا چه حد نیازهای بازار کار را می‌شناسند و دانشجویان را در این راستا تربیت می‌کنند، موضوعی است که نیاز به تحقیقات بیشتر دارد.

از جمله مهم‌ترین مواردی که در این پژوهش بررسی شده است وجود تفاوت در میانگین موانع اولیه کارآفرینی دانشجویان دختر و پسر است که بررسی این موضوع با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر بازار کار ایران (بیش از این یک بازار مردانه در نظر گرفته می‌شد) و همچنین حضور هر چه بیشتر دانشجویان دختر در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، اهمیت خاصی دارد. براساس پژوهش گلرد (۱۳۸۵) مهم‌ترین ویژگی زنان کارآفرین ایرانی، توفیق‌طلبی بوده است. آن‌ها با تکیه بر ویژگی‌های شخصیتی و سرمایه انسانی، کسب و کار خود را راه‌اندازی کرده، گسترش می‌دهند (۳۲). بر همین اساس ممکن است دلیل احتمالی کمی موانع اولیه در دانشجویان دختر وجود حس بالای توفیق‌طلبی در آنان باشد. با این حال، لزوم فرهنگ‌سازی در عرصه گسترش کارآفرینی زنان موضوعی است که باید پیش از بیش مورد توجه قرار گیرد.

عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین موانع اولیه دانشجویان سه دانشگاه مورد بررسی، شاید به این دلیل باشد که هیچ کدام از دانشگاه‌های مورد نظر، برنامه‌ای هدفمند نداشته‌اند که توسعه رفتار کارآفرینی را در میان دانشجویان پیگیری کند و دانشجویان تنها به بخشی از ویژگی‌های ذاتی کارآفرینی پاسخ می‌دهند و بخشی که نیاز به نگرش‌سازی و آموزش است از دید ذهنی آنان دور مانده است.

به‌طور کلی دانشجویان تربیت بدنی به برنامه‌ای سازمان‌یافته و دقیق برای گسترش رفتار کارآفرینی و فائق آمدن بر موانع و مشکلات موجود نیازمند هستند. آنچه مسلم است هنوز فعالیت منسجم و سازمان‌یافته‌ای برای گسترش و شناساندن فرهنگ کارآفرینی، دست‌کم در حوزه تربیت بدنی جامعه مورد بررسی انجام نشده است. ایجاد مراکز رشد تخصصی تربیت بدنی و علوم ورزشی، حمایت از کسب و کارهای ایجاد شده در حیطه تربیت بدنی، راه‌اندازی و پشتیبانی هسته‌های کارآفرینی در دانشکده‌های تربیت بدنی، برگزاری منظم دوره‌ها و کارگاه‌های ترویجی و توجیهی برای استادان و دانشجویان، معرفی چهره‌های موفق کارآفرینی در رشته تربیت بدنی، بازبینی سرفصل دوره‌های آموزشی براساس زمینه‌های شغلی و نیازهای روز، فراهم کردن شرایط برای برقراری ارتباط هر چه بیشتر با صنعت و بخش خصوصی، از مواردی هستند که می‌توانند ساختار فکری دانشکده‌ها و در نهایت دانشگاه‌ها را در برای مثبت تغییر دهند. حداقل نتیجه نهایی حضور این تفکر در دانشگاه، ارتقاء رفتار کارآفرینانه اعضای آن است که می‌تواند ساختار پیچیده جامعه را نیز به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند سیاست‌گذاران ذی‌ربط را در طرح‌ریزی راهبردهای کارآمد در راستای حل موانع گسترش کارآفرینی در میان دانشجویان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی یاری کند.

منابع:

۱. شجیع، رضا و حجتیان محمد، ۱۳۸۵. «بررسی مشکلات و موانع فراروی اشتغال و کارآفرینی دانشجویان تربیت‌بدنی»، مجموعه مقالات اولین همایش شناسایی توانمندی‌ها، موانع و راهکارهای اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی، مشهد، اسفند، ص: ۲۱۵-۲۳۲
2. Ball, S. (2005) The importance of entrepreneurship to hospitality, leisure, sport and tourism, *Hospitality, Leisure, Sport and Tourism Network*, May 2005, pp, 8-10
۳. کوراتکو، داند اف و ریچارد ام. هاجتس، نگرشی معاصر بر کارآفرینی، ج یک، ترجمه ابراهیم عامل محرابی، ۱۳۸۳، ویرایش پنجم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. آقاجانی، حسینعلی و علی اکبر آقاجانی، ۱۳۸۵، «ارائه الگویی به‌طور بررسی نقش مراکز کارآفرینی برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه و اشتغال‌زا» خلاصه مقالات اولین همایش شناسایی توانمندی‌ها، موانع و راهکارهای اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی، مشهد، اسفند.
۵. عابدی، اصغر، ۱۳۸۵، «وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی زن (توانمندی‌ها، ضرورت‌ها و موانع)»، مجموعه مقالات اولین همایش شناسایی توانمندی‌ها، موانع و راهکارهای اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی، مشهد، اسفند، ص: ۳۱۰-۳۰۴.
۶. آرمند، پیمان و شهره سلطانی، ۱۳۸۴، «توسعه کارآفرینی زنان روستایی (چالش‌ها و فرصت‌ها)»، مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی، رودهن، اسفند، ص: ۱۲-۱.
۷. شکرپیگی، عالیه، ۱۳۸۴، «بررسی موانع و راه‌های گسترش کارآفرینی در زنان»، مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی، رودهن، اسفند، ص: ۲۸۵-۲۶۱.
۸. ملک‌پور، علی، ۱۳۸۴، «زمینه‌ها و موانع فرهنگی گسترش کارآفرینی در ایران»، مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی، رودهن، اسفند، ص: ۴۴۷-۴۲۷.
9. Lee, J.S.K. and Chan, J. (1998), "Chinese entrepreneurship: a study in Singapore", *Journal of Management Development*, Vol. 17 No. 2, pp. 131-41.
10. McClelland, D.C. (1961), *The Achieving Society*, D. Van Nostrand Co., Princeton, NJ.
11. Ruwitch, J. (2004), "HAQ interview: Singapore's Deputy Prime Minister Lee Hsien Loong", *Harvard Asia Quarterly*, 28 May, available at: www.fas.harvard.edu/asiactr/haq/200001/0001a005.htm (accessed 28 May 2004).
12. Long, S. (2004), "Acid test is when we stop taking cue from government", *The Straits Times*, 14 March.
13. Zimmerer, T.W. and Scarborough, N.M. (2005), *Essentials of Entrepreneurship and Small Business Management*, 4th ed., Pearson Prentice-Hall, Upper Saddle River, NJ.
14. Ang, E. and Chang, P. (2004), *Winning Strokes*, Nouveau Publishing Pte Ltd, Singapore.
15. Moskowitz, Tobias, and Annette Jorgensen. (2002) "The Returns to Entrepreneurial Investment: A Private Equity Premium Puzzle?" *American Economic Review*, Vol. 92, pp. 745- 778.

16. Puri, Manju and David T. Robinson (2004) "Optimism, Work/Life Choices, and Entrepreneurship," paper presented at the Worldbank-Stern-NYU Entrepreneurship workshop, World Bank, Jan 10, 2005.

17. Djankov, Simeon, Rafael La Porta, Florencio Lopez-de-Silanes, and Andrei Shleifer (2002) "The Regulation of Entry", Quarterly Journal of Economics, Vol. 67, Iss. 1 (February), pp. 1-37.

18. Klapper, Leora, Luc Laeven & Raghuram Rajan. (2004) "Barriers to Entrepreneurship", World Bank.

19. Morck, Randall, Daniel Wolfenzon, and Bernard Yeung. (2005) "Corporate Governance, Economic Entrenchment and Growth," forthcoming, Journal of Economics Literature (Sept).

20. Perotti, Enrico and Paolo Volpin. (2004) "Lobbying on Entry," paper presented at the World Bank-Stern "Entry Workshop," Jan 2005.

21. Fogel, K. Hawk, A. Morck, R and Yeung, B. (2006) "Institutional Obstacles to Entrepreneurship", in Oxford Handbook of Entrepreneurship, Oxford University Press, 2006.

22. Levine, R. Barth, J and Caprio, G. (2004) "Bank Regulation and Supervision: What works Best?" Journal of Financial Intermediation, forthcoming.

۲۳. شهرکی پور، حسن و پی‌ناز بنی‌سی، ۱۳۸۴، «جایگاه کارآفرینی در دانشگاه‌ها»، مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی، رودهن، اسفند، ص: ۱۴۶-۱۲۷.

24. Kuratko, D. (2005), The emergence of entrepreneurship education: Development, trends and challenges, Entrepreneurship: Theory & Practice, 29 (5), p 577-597.

25. Gray, P. and A. Field. (2006). Can entrepreneurs be taught? Fortune Small Business, 16 (2/3), p 34-51.

26. Sleaf, M. (2005) University Experiences And The Employment Environment, Unpublished Research Report, Higher Education Academy Network for Hospitality, Leisure, Sport and Tourism. Available from: http://www.hlst.heacademy.ac.uk/projects/sleaf_summary.pdf

۲۷. اهرپور، مریم، ۱۳۸۵، «نگاهی بر مشکلات کارآفرینی در ایران»، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مدیریت کارآفرینی، تهران، بهمن، ص: ۱۸.

28. Jochen, K. (2005). knowledge mobilization and academic Entrepreneurship, The Journal of entrepreneurship research, vol.1, No1.

29. Kuratko, Donald F. (2003), "Entrepreneurship Education: Emerging trends and challenges for the 21th century", Coleman Foundation White Paper Series.

۳۰. هادی‌خامنه، اعظم، ۱۳۸۵، «نیازسنجی، بررسی موانع و راهبردهای گسترش کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان مستعد کارآفرینی»، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مدیریت کارآفرینی، تهران، بهمن، ص: ۵۶.

۳۱. شجاع، رضا و اکبر معرفتی، ۱۳۸۴، «طراحی و تبیین مدل دانشگاهی انکوباتور تخصصی تربیت بدنی و علوم ورزشی با تأکید بر محوریت گسترش کارآفرینی در ورزش»، خلاصه مقالات اولین کنگره بین‌المللی مدیریت ورزشی، اصفهان، اسفند، ص: ۸۲-۸۳.
۳۲. گلرد، پروانه، ۱۳۸۵، «چشم‌اندازی از کارآفرینی زنان در ایران»، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مدیریت کارآفرینی، تهران، بهمن، ص: ۵۰.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی